

است (تاجیک و دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۲: ۷۰-۷۱). به همین دلیل دولت «توسعه اقتصادی» را در اولویت اول سیاست‌گذاری‌های خود قرار داده است. در این برهه زمانی، دولت سیاست اقتصادی جدیدی را در دستور کار خود قرار داده تا با کنار گذاشتن روش‌های توده‌گرایی دهه ۱۹۸۰، بتواند هم‌گرایی مستحکم‌تری را در سیستم اقتصاد سرمایه‌داری جهانی ایجاد کند. هدف این سیاست‌ها برای بازسازی اقتصاد جنگ‌زده ایران و گسترش حوزه مشارکت بخش خصوصی در اقتصاد کشور بوده است (تاجیک و دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۲: ۷۳).

در اتخاذ سیاست تنش‌زدایی، نخبگان کشور استدلال می‌کردند که باید چهره‌ای قابل قبول و موجه از ایران در افکار عمومی جهان ایجاد شود (سوری، ۱۳۸۴: ۱۸۳-۱۸۶). با وجود این، سیاست‌های دولت سازندگی نتوانسته است قدرتمندانه، اهداف اقتصادی و سیاسی خودش را دنبال کند. چنان‌که خودمختاری برخی از نهادها منجر به ناهماهنگی‌هایی در سیاست خارجی شد (موسوی‌نیا، ۱۳۸۷: ۹۴). در این دوره، سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و صاحبان عظیم بخش نقدینگی به سمت تولید و صنعت نرفتند، همچنین دولت از یک طرف به پیشبرد صنعت‌سازی تأکید داشت ولی از طرف دیگر آزادسازی تجارت خارجی را در پیش گرفت (دهقان و سمیعی اصفهانی، ۱۳۹۶: ۶۰-۶۳). به نظر می‌رسد سودآوری تجارت نسبت به تولید، مانع از صنعتی‌سازی و توسعه کشور در این برهه زمانی شد.

## ۲-۲. دولت اصلاحات

گفتمان سیاسی دولت اصلاحات بیشتر بر جامعه مدنی، توسعه سیاسی، گسترش آزادی‌های مدنی و سیاسی، حاکمیت قانون و مردم‌سالاری دینی تأکید داشت. دولت اصلاحات با طرح گفت‌وگوی تمدن‌ها و با سیاست تنش‌زدایی در سیاست خارجی به دنبال رفع سوءتفاهم‌ها و اعتمادسازی بود (موتقی، ۱۳۸۵: ۳۳۷). سیاست دولت خاتمی، ادامه سیاست دولت هاشمی نسبت به همسایگان و بهبود روابط با کشورهای اروپایی بوده است (Rakel, 2007: 161). استراتژی دولت این بوده است که چون ایران نمی‌تواند با آمریکا وارد تعامل شود در نتیجه برای